

(عا) الهام و کشفیات و رؤیا و تسخیر ارواح

سؤال

بعضی برآنند که کشفیات روحانیّه دارند یعنی با ارواح مکالمه مینمایند ، این چه قسم است ؟

جواب

اکتشافات روحانیّه بر دو قسم است یک نوع اوهام است که مصطلح اقوام سائره است و نوع دیگر که مانند رؤیاست و آن حقیقت دارد نظیر رؤیای اشعیا و رؤیای ارمیا و رؤیای یوحناست که حقیقت دارد . ملاحظه نمائید که قوه متفکره انسانرا دو نوع تصوّر است یک نوع تصوّر صحیح است چون منضمّ بتصمّم گردد آن تصوّر در خارج تحقّق یابد مانند تدابیر صائبه و آراء سدیده و اکتشافات فنّیه و اختراع صنایع جدیده و نوع دیگر از تصوّرات آن افکار فاسده و خیالات بیهوده است که ابداً نتیجه و ثمری از آن حاصل نشود و حقیقت ندارد بلکه مانند امواج بحر اوهام موج میزند و چون خوابهای بیهوده میگذرد . بهمچنین کشفیات روحانیّه بر دو قسم است یک قسم رؤیای انبیاست و اکتشافات روحانیّه اصفیا و رؤیای انبیا خواب نیست بلکه اکتشافات روحانیست و این حقیقت دارد میفرماید که شخصی را در چنین صورتی دیدم و چنین گفتم و چنان جواب داد این رؤیا در عالم بیداری است نه خواب بلکه اکتشافات روحانیست که بعنوان رؤیا میفرماید و قسم دیگر از

کشفیات روحانیّه اوهام صرف است ولی این اوهام چنان تجسم نماید که بسیاری ساده دلان گمان نمایند که تحقق دارد . و دلیل واضح بر این اینست که از این تسخیر ارواح ابدأً نتیجه و ثمری حاصل نشود بلکه مجرد حکایت و روایت است . بدانکه حقیقت انسانیه محیط بر حقایق اشیاست و کشف حقائق و خواصّ و اسرار اشیا را می‌نماید مثلاً جمیع این صنایع و بدایع و علوم و معارف را حقیقت انسانیه کشف کرده یک وقتی جمیع این فنون و علوم و بدایع و صنایع سرّ مکنون و مکتوم بود بعد بتدریج حقیقت انسانیه این را کشف کرده از حیّز غیب بحیّز شهود آورده . پس ثابت شد که حقیقت انسانی محیط بر اشیاست زیرا در اروپا است اکتشاف امریکا نماید در زمین است کشفیات در آسمان کند کاشف اسرار اشیاست و واقف بر حقائق موجودات . این کشفیات واقعه که مطابق حقیقت است مانند رؤیاست که آن ادراک روحانی است و الهام رحمانی و الفت ارواح انسانی چنانکه میگوید چنین دیدم و چنین گفتم و چنین شنیدم . پس معلوم شد که روح را ادراکات عظیمه بدون وسائط حواسّ خمسّه مثل چشم و گوش است و ادراکات روحانیّه و مکاشفات وجدانیّه اتّحادی مقدّس از وهم و قیاس و الفتی منزّه از زمان و مکان در میان روحانیان هست . مثلاً در انجیل مذکور که در جبل طابور موسی و ایلیا نزد مسیح آمدند و این واضح است که این الفت جسمانی نبود یک کیفیّت روحانیّه است که تعبیر بملاقات شده است . و نوع دیگر از مکالمات و احضار ارواح و مخابرات اوهام است و محض خیالست و لکن چنین بنظر میآید که حقیقت دارد . عقل و فکر انسان گاهی اکتشاف حقایق نماید و از آن فکر و اکتشاف آثار و

نتایج حاصل گردد این فکر اساس دارد ولی بسیار امور بخاطر انسان آید که مثل امواج بحر اوهام است ثمری ندارد و نتیجه ای بر آن ترتب نیابد و همچنین در عالم خواب رؤیائی بیند که بعینه ظاهر میشود وقتی خوابی بیند که ابداً ثمری ندارد . مقصود اینست که این حالتی که میگوئیم مخابرات ارواح یا مخاطبات ارواح یک قسم از آن اوهام محض است و قسم دیگر که عبارت از رؤیاهای مذکور در کتاب مقدس مثل رؤیای یوحنا و اشعیاست و مثل ملاقات مسیح با موسی و ایلیا حقیقت دارد و آثار عجیبه در عقول و افکار حاصل گردد و انجذابات عظیمه در قلوب پدید شود .